حقوق گلهای زندگی در اسلام

(حقوق کودک در اسلام)

نگارنده:

راحله مجتهدی زاده

**فهرست مطالب**

**مقدمه 1**

**فرمان حقوق کودک در اسلام 1**

**نیازهای کودک 4**

**نیازهای جسمانی کودک 4**

**تعلیم ورزش به کودک 5**

**نیازمندیهای روانی**

**انتخاب نام زیبا برای کودک و تاثیر آن 7**

**احترام به کودک 8**

**ترحم و محبت به کودک 9**

**بوسیدن کودک 10**

**وفای به عهد کودک**

**اهمیت و فای به عهد از نظر قرآن 11**

**جلب اعتماد کودک از راه وفای به عهد 13**

**گفتگو به زبان کودکی با کودک**

**با کودک ، محاجه و استدلال نکنید 14**

**تحمیل بیجا به کودک و آثار سوء آن 15**

**دانش آموختن به کودک 16**

**تبعیض بی جهت در نوازش و محبت به کودکان 17**

**لطیف نگاه داشتن کودک 18**

**شناساندن و معرفت انبیاءو اولیاء الهی به کودک 18**

**تأثیر روزی پاک و حلال در کودک 19**

**برای فرزندان خود نمونه اخلاقی باشیم. 19**

**مقدمه**

بحثی را که برای شما عزیزان مطرح می کنیم راجع به حقوق در اسلام می باشد، بحثی است بسیار ارزنده و مفید برای همه ، و امیدوارم پروردگار عالم عنایت کند و حضرت بقیّه الله عجل الله تعالی فرجه الشریفلطفی نماید و تا آخر این سال تحصیلی بتوانم این بحث را به جایی برسانم و من خیال می کنم اگر پروردگار عالم عنایت کند و این بحث به جایی برسد ، بحث مفید و ارزنده ای برای همه است و امیدوارم این خیال مطابق با واقع قرار گیرد.

از نظر قرآن و روایات اهل بیت(ع) و همچنین از نظر تاریخ و تجربه اثبات شده که پدر و مادر دخالت مؤثر در سرنوشت اولاد دارند چه کودک و چه نوجوان و چه جوان . لذا با توجه به اهمیت دوران کودکی و شکل گیری پایه و اساس فرد در این دوران ،به بررسی حقوق کودک در اسلام و حقوقی که کودک در اسلام و حقوقی که کودک بر گردن پدر و مادر دارد می پردازیم امید است مفید فایده قرار گیرد.

**فرمان حقوق کودک در اسلام**

رسول گرامی اسلامصلی الله علیه و آلهدربارة کودکان و خردسالان به اولیا آنها می گوید:

«اَحبّوا الصَبیان ارحمو هم،و اذ وَعَد تُمُوهم شیيا، فَغَوالهم . فَاِنَّهُم لا یَرَونَ اِلّا اِنَّکم ترزقُو نهم.»[[1]](#footnote-2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند : به کودکان محبت کنید و نسبت به آنها ترحم نمایید وقتی به آنها وعده دادید وفا کنید . زیرا آنها جز اینکه شما را روزی دهندة خود می بینند تصور دیگری ندارند.

و نیز علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام دربارة حق فرزند می گوید:

«وَ اَمّا حقُّ وَلَدِکَ : فَاِن تعلم اَنَّهُ مِنکَ، و مُضافُ اِلیکَ فی عاجلِ الدنیا بخیرهِ و شرِه، و اِنّک مسئولُ عما و لیتهِ مَن حُسنُ آلماءب ، والِد بماله علی ربه عزوجل و المعونه علی طاعتهِ، فاعمَل فی امره عمل من یعلم انّه مثاب علی الاحسان الیه معاقب علی الاِساله الیهِ.»[[2]](#footnote-3)

امام سجاد فرمودند:و اما حق فرزند تو این است که بدانی او از تو ،و پیوسته به تو در خیر و شر امر دنیا ست؛ و تو ، مسئول او از لحاظ نیک ادب کردن و راهنمایی به پروردگارش و کمک به طاعت او هستی . پس عمل تو دربارة او عمل کسی باشد که می داند در احسان به او مثاب و در مسامحه و بدی نسبت به او کیفر می بیند.

این دو حدیث به ضمیمه بسیاری از احادیث دیگر ، فشرده ای از حقوق کودکان در اسلام بازگو می نماید. که چگونه باید این حقوق اجرا گردد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در یک جمله کوتاه و فشرده بالا، حقوق کودکان را با تعبیر محبت و ترحم به آنها خلاصه فرموده است: ترحم به یک فرد ، متضمن اجراء تمام حقوق و مزایا دربارةاو می باشد. و امام سجاد علیه السلام نیز در روایت فوق به پدران یاد آور گردیده است که خیر و شر فرزند در دنیا به او بستگی دارد، و او مسئول دین و ادب فرزند و احسان به کودک خود می باشد. بنابراین پدر مهمترین مسیولیت را نسبت به کودک خود دارد. و چون محبوبترین موجود نزد خدا کودکان هستند، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، فرمودند:

:«اِنَّ اللهَ لا یَغضَبُ لِشیِ کَغَضَبِهِ بِلنساءو الصَّبیان.»[[3]](#footnote-4)

خداوند خشم نمی گیرد برای چیزی مانند خشمی که او را به خاطر زنان و کودکان می گیرد.

اسلام برای آنکه توجه مردم را نسبت به کودک جلب نماید ، ریاضت و مجاهدت مربیان در راه تربیت و حسن ادارةزندگی و ایجاد رفاه و آسایش و تأمین حوائج کودکانشان را از جملة عبادت و جهاد در راه خدا می داند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:«یَومَ مِن والِ عادلِ اَفضَلِ مِن عبادهِ سبعینَ سنهِ، ثُم قالَ اِلّا کُلُکُم راعَ و کُلُکُم مسئولُ عَن عیبه و لیس مِن عیبهَ و لیسَ مِن اشتغُل با صلاحِ نفسِهِ فقط و لامن صَبرِ علی الاذی کمن رفَهِ نفسهِ و اراحما، فَتعلساهِ الهلِ و الو لد بمنزلهِ الجهادَ فی سبیل الله ».

(یک شبانه روز از زندگانی والی و سرپرست عادل – که حقوق هر کسی را به آنان اعطاء می کند- برتر از هفتاد سال عبادت و پرستش و نیایش خداوند است.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هان ای مردم ! همة شما نگاهبانان و شبانید، و همة شما دارای مسئولیت و رسالت نسبت به رعیت و زیر دستان خود می باشید. آنکه به اصلاح خود و دیگران سرگرم است همانند کسی نیست که صرفاً به اصلاح خویش مشغول می نشیند. و کسی که رنج و آزار دیگران را به دوش می کشد و آنرا تحمل می نماید ، همانند کسی نیست که عوامل رفاه و آسایش و تن آسانی خود را فراهم می سازد. مقاسات و تحمل زندگی خانواده و فرزند بمنزله جهاد و کوشش در راه خدا است.

این حدیث بازگو کننده حقیقتی است که از جهات مختلف جالب توجه می باشد . بی تفاوتی اولیاءامور و بویژه پدر و مادر نسبت به اداء حقوق فرزند در این روایت سخت نکوهش شده است و رسالت و مسئولیتی را متوجه اولیاءاطفال و همه سرپرستان به زیر دستان می نماید که حقوق همة آنها را به آنها اعطاء نمایند، و شانه از زیر بار سنگین و دشوار وظیفه سرپرستی خالی نکنند.

**نیاز های کودک**

رسول اکرم به همة انسانها اعلام می کند:

«همانطور که پدران و مادران ، حقی بر فرزندان خود دارند؛ و فرزندان در صورت ترک آن حقوق ، عاق و ناخوش و نافرمان محسوب می شوند.

فرزندان نیز حقوقی بر پدران ومادران دارند:«که پدران و مادران در صورت رعایت نکردن آن عاق فرزندان می گردند»[[4]](#footnote-5)

پدر و مادر باید تمام نیاز مندیهای کودک خود را تأمین نمایند ،زندگانی کودک از زمان ولادت حتی پیش از ولادت آغاز می گرددکودکی که بدنیا می آید و دارای غرایز و تمایلات گوناگونی است، چون او هم موجود زنده ای است که مانند هر دو موجود زندة دیگر به غذا و حمایت و بالاخره به هر چه در رشد او مؤثر است نیازمند می باشد.

و چون پدر ومادر و یا مربی باید حاجات و نیازمندیهای کودک را –که حقوق مسلم او است –بشناسد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می نماییم:

**نیازمندیهای جسمانی کودک**

نمو جسمانی کودک با فراهم آوردن وسائل مادی امکان پذیر می باشد که خواسته های بدنی او را اشباع نماید،این رشد و نمو با غذا و بهداشت کافی و آب و هوا و مسکن و خواب و استراحت و بازی و امثال آن ، بدست می آید.

هر کودک بر حسب اختلاف سن یا حالات صحت و بیماری ، حاجات مختلفی دارد؛ نوع و ومقدار غذا و خوابی که کودک در سالهای اول زندگی بدان نیاز دارد با سالهای بعد متفاوت است.

احتیاجات کودک در رشد و نمو جسمانی ،در غریزة کاوش و تمایل او به غذا تجلی می کندو رفتار او از این احتیاج ،حکایت می کند. پس فرزند از نظر غذا ، حقی بر مربی و پدر دارد، و باید از نظر غذایی نیازمندیهای کودک تأمین گردد.در تعالیم اسلامی سفارشهای زیادی در طرز تغذیه کودک شده که مثلا از لحاظ شیر خوارگی ، کودک چه حقی نسبت به مادر دارد. و نیز در دوران پس از شیر خوارگی و در دوران خردسالی راجع به کودک از نظر غذا توصیه های کافی در احادیث می بینیم.از آن جمله امام صادق علیه السلام فرمودند:«اَسقوا صِبیانکُم السویقِ فی صَغرِهیم فاِن ذلک ینبتُ اللَحم و شیت العظم»[[5]](#footnote-6) به کودکان خود سویق (غذایی از آرد گندم و جو تهیه می شود)بخورانید،زیرا تغذیةاینگونه مواد، گوشت بدن را می رویاند و استخوانها را محکم می گرداند.

«کودکان در دوران شیر خوارگی باید شیر بخورند ،ولی در ایندوره و پس از آن مواد آرد ی از قبیل آرد برنج و گندم و چو می توان به آنها داد . تغذیة این مواد – علاوه بر اینکه تنوعی در غذا کودک ایجاد می نماید- برای غذای بعدی نیز او را آماده می سازد. در مواد آردی علاوه بر مقداری هیدرات کربن (60-70 درصد)، مقداری آلبومین و املاح ، بخصوص سازگار تر وجود دارد، که برای فعالیت سلولها مفید و مؤثر می باشد.»[[6]](#footnote-7)

در مورد تغذیه کودکان احادیث و روایات بسیار است برای اطلاع کافی در این مورد می توان به کتابهای مذهبی و بخصوص به بحار الانوار مراجعه نمود.

**تعلیم ورزش به کودک**

اصولاً کسانی مفهوم واقعی تعلیم و تربیت را درک می کنند که میان عقل و جسم قائل به تفکیک نمی باشندو لذا می بینیم ، در تعالیم اسلامی به اصلاح روح و بدن و عقل و عاطفه و موازنه میان آنها عنایت کافی شده است ، نماز و وضو را واجب و فرض نموده و تیر اندازی و شناوری و سوارکاری و امثال آنها را مستحب قرار داده است . و اصولا انسان را به کسب قدرت و نیروی جسمی و روحی وادار کرده است . و ما ،در بسیاری از روایات این حقیقت را می بینیم؛ نماز که اساس آن عبادت و یک امر روحی است . و با التبع یکنوع جنبش و ورزش بدنی است،.و جهاد و جنگ یکی از فرائض مذهبی است.و اساس جنگاوری نیز ورزش و سوارکاری و دیگر جنبشهای منظم بدنی است.

حرکت و جنبش ، اساس هر عمل غریزی و پایة وظایف حیاتی است، و زندگی بدن منوط به حرکت آن است. انسان بی حس و حرکت ، مرده ای بیش نیست . پس حرکت یعنی زندگی و سکون و بی حالی یعنی بیماری و مرگ.و چون دوران خردسالی ، اساس و بنیة جسمانی بشر را پی ریزی می کند، امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«باید- مخصوصاً- هفت سال اول زندگی کودک آزادانه به بازی و جنبشهای بدنی مصروف گردد.»[[7]](#footnote-8)

رسول خدا فرموده اند:« اگر کسی دارای طفل خردسالی است باید با او در جنبشهای کودکانه و حالت بچه گا نه اش همکاری و هماهنگی نماید»[[8]](#footnote-9).و خود پیامبر مطابق روایات معتبر با فرزندان ، و اصولاً با کودکان ، همبازی می شدند و در جنبشهای کودکانه آنها شرکت می نمودند و مقام و موقعیت او مانع از تأیید و تشویق از این همکاری ضروری با بچه ها نبود.

سوارکاری و تیر اندازی در اسلام یکی از روشهای مهمی است ،که بخاطر منافع و مصالح عالیة مملکت مطابق طرز جنگ آن روز – به مسلمین پیشنهاد شده است ، و این ورزش در تمام کتب فقهی ، موقعییتی به نام و عنوان(باب سبق و رمایه)برای خود کسب کرده است.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم تعلیم ورزشهای لازم را یکی از حقوق کودکان بر پدران معرفی فرموده است، آنجا که می فرمایند.

«حَقُ الولَد علی الوالدِ آَذا کَانَ ذِکراً: اَن یسَتَفِرَهُ اُمَهُ، یَستَحسِنُ اِسمُهُ و یَعلُمه السَباحَهِ و ...»[[9]](#footnote-10) حق فرزند بر پدر-در صورتیکه پسر باشد- این است که مادرش را مسرور گرداند، و نامش را نیکو نهد ،و نوشتن را به او بیاموزد، و او را پاکیزه نگاه دارد، و زمین شنا را به او تعلیم دهد....»

**نیاز مندیهای روانی**

**انتخاب نام زیبا و تأ ثیرآن**

نخستین احسان و نیکی پدر نسبت به کودک –پس از تولد- آن است که نام زیبا و خوش آیند برای او انتخاب نماید. امام رضا علیه السلام فرموده اند:«اَوَلُ صابر الرجُلِ اِن یسمُهُ باسمِ حَسُنَ فَلیَحسِنَ اَحَدَکُم اِسمَ وَلَده»[[10]](#footnote-11)

اگر پدر نام زشت یا زننده ای برای فرزند خود انتخاب کند ، قطعاً به شخصیت و حیثیت او لطمه وارد ساخته است. زیرا نام خوب ، به منزلة حیثیت و اعتبار اوست و نام سبک وزننده و مضحک – که او را در معرض استهزا و توهین دیگران قراردهد-در او عقیده روانی ایجاد می نماید. به همین جهت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مربی این پیشگیری از این عقده ها و برخورداری کودک ار احترام دیگران فرموده است:

«مَن حَقَّ الولدِ علی الوالدِه ثلثه: یحسُنُ اِسمِه، و یَعلَمَهُ الکِتابهُ:و یَزوِجهِ اِذا بَلَغَ»[[11]](#footnote-12)

از جمله حقوق فرزند بر پدرو مادر سه امر است: اسم نیکو و زیبا برای او انتخاب کند و نوشتن را به او بیاموزدو هنگامیکه بالغ شد همسر برای او بگیرد.

به عقیده روانشناسان ، احتیاجات روانی – با اندازه های نیازمندیهای بدنی – بر هر انسانی ضروری و دارای اهمیت است.

چنانچه پیغمبر اسلام صل الله علیه و آله و سلم مربی تأمین این احتیاج روانی لزوم توجه به این نکته را نسبت به فرزند – اعم از پسر یا دختر – گوشزد می نماید.:«حَقُّ الوَلَدِ علی الوالد: اذا کانَ ذِکراً اَن یستفِرهُ امها و یستحسِنُ اِسمَها و یعلمها سورهَ النور....»[[12]](#footnote-13)

حق فرزند بر پدر – در صورتیکه پسر باشد – آنست که مادرش را مسرور گرداند و نام او را نیکو قرار دهد، وکتاب خدا را به او بیاموزد و او را پاکیزه نگاه دارد و شنا را به او تعلیم دهد و اگر دختر باشد مادرش را خشنود گرداند ، و نامش را نیکو نهد و سورة نور را به او تعلیم دهد. ونیز از امام رضا علیه السلام روایت شده که :« مردی حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رسید و عرض کرد :حق این فرزند بر من چیست؟پیغمبر فرمود: اسم و ادب او را نیکو گردانی و او را در جای شایستة خویش قرار دهی»[[13]](#footnote-14)

**احترام به کودک**

«پیامبر اسلام در ارجداری مقام کودک فرموده اند:به شخصیت فرزندان خود ارج نهید و آداب و آئینها رفتار خویش را نیکو و درست گردانید تا مشمول آمرزش خدا گردید. قبل از ورود به بحث باید گفت :دورة کودکی مهمترین دورة زندگی بشریت است ، این دوره ، دورة شکل گیری و موقعی است که تأثیرات را به زودی و آسانی قبول می کند . در این دوره مهمترین عوامل مؤثر در رشد و تکامل شخصیت کودک محیط و اولیاءو اطرافیان او هستند.[[14]](#footnote-15)

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله برای رشد شخصیت کودک ،و اینکه بتواند خود را درست در اجتماع منسجم سازد به پدران و مادران و اولیاء کودک امر کرده که آنها را احترام نماید، و فرموده است:

«اِذا سمیتُم آلولَدِ فاکرمُوا و اُوسَعوا لَهُ فی المجلِس و لَماتَتبَحوا لَهُ وَجهَا.»[[15]](#footnote-16)

وقتی نام فرزندان را می برید ، او را گرامی دارید، و جای نشستن را برای او توسعه دهید و نسبت به او رو ترش نکنید.»

رسول اکرم صریحاً اهمیت این موضوع را به اولیاء اطفال گوشزد می نماید. زیرا کودکی که مورد بی اعتنایی و توهین دیگران قرار گیرد – همانطور که در حق نامگذاری کودک یاد آور شدیم0دچار حس حقارت و خود کم بینی می گردد:در بوجود آمدن این حس ،علل زیادی وجود دارد که از آنجمله شکستهای متوالی در نیل به مقاصد ،و بی اعتنایی دیگران و داشتن نقص بدنی – که اور ادر معرض استهزاء دیگران قرار دهد- همة این عوامل ، ایجاد حس حقارت و خودکم بینی در فرد می نماید که ممکن است به صورت عقده ای در آید . پس علت این عقده ها ئمی تواند در بدن و یا در ذهن باشد .

کودکی که تو سری خور است ، و هیچگاه شخصیت و ارزش او مورد تمجید قرار نگرفته، و به او با دیدة حقارت نگریسته اند،و برای او اهمیتی قائل نشده اند؛ ز کار و زندگی لذت نمی برد و همیشه مغموم و بدون جنبش و نشاط خواهد بود. لذا برای اینکه کودک دچار اینگونه عقده های روانی نشود، باید به میزان صحیح به افکار و اعمال او احترام گذاشت ولی نباید احترام به کودک از حدود صحیح خود تجاوز نماید.

**ترحم و محبت به کودک**

 پیامبر اسلام در مورد محبت و ترحم به کودکان می فرماید:

 «اَحَبّوا الصَبیانِ و اَرحَموهُم؛و اِذا وَعَد تُموهُ شَیئاً فغوا لَهُم ، اِنَ اللهَ لَما یغضِبُ لِشئیٍ کَغضَبَهِ ینِساءِ و الصبیانِ.»

کودکان خود را دوست بدارید، و به وعده ای که به آنها داده اید وفا نمائید، خداوند بر هیچ خشم می گیرد.

یکی از نیازمندنیهای ضروری و روحی بشر ، محبت متقابل است به این که انسان ، تمایل شدیدی دارد که او را دوست بدارند.و او نیز دیگران را دوست بدارد. تأمین این حاجت روانی مانند سایز نیازمندیهای روحی تأثیر بسزایی در ساختمان شخصیت انسان – بخصوص در مراحل اولیة زندگانی – دارد.

تعالیم اسلام برای ساختن شخصیت انسانی ، تمام مربیان را امر به محبت کودکان می نماید : از نظر امام صادق علیه السلام روایت شده که «مردی از انصار از رسول اکرم سؤال کرد:به چه کسی احسان نمایم به پیغمبر فرمود: به پدر و مادر خود. عرض کرد: آرزو ، در گذشته اند. فرمود : به فرزند خود احسان نما» و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: « به خداوند به انسان به خاطر شدت محبتش به فرزند – ترحم می نماید.»[[16]](#footnote-17)

**بوسیدن کودک**

یکی از مظاهر این حاجت روانی ، آن است که کودک علاقه شدیدی داردکه دیگران از قبیل پدر و مادر و خویشاوندان و نزدیکان او را ببوسند و در آغوشش گیرند. و از طرف دیگر می بینیم ؛کودک نیز می خواهد عاطفة خود را متقابلاً نشان دهد. و بوسه های گرمی به گونه های پدر و مادر و یا دیگران نثار کند. پس بوسیدن کودک امری است که نیاز او را به محبت سیراب می نماید ، و این نیاز روانی وی را ارضاء می کند. رسول اکرم (ص) می فرمایند:

«اَکثَرُوا مِن قَبلِهِ اَولادِکُم فاِن لَکُم بِکُلِ قَبلهِ دَرَجه فی الجنهِ ما بینَ کُلِ دَرَجهِ خمساهَ عام»[[17]](#footnote-18)

فرزندان خود را زیاد ببوسید ، زیرا با هر بوسه ، برای شما مقام و مرتبه ای در بهشت فراهم می شود که فاصلة میان هر مقامی پانصد سال است.«مردی حضور پیغمبر اسلام رسید عرض کرد: من هرگز کودکی را ببوسیدم ،پیغمبر فرمود؛این شخص مردی است که از نظر ما اهل آتش جهنم و عذاب است»و همچنین فرمود: «اگر کسی فرزند خود را ببوسد،خداوند حسنه ای برای او می نویسد و اگر او را خوشحال نماید، خداوند او رادر روز قیامت خوشحال می سازد،اگر قران را بدو تعلیم دهد در روز رستاخیز ،حله ای از نور بدو می پوشانند که از پرتو آن ، گونه های اهل بهشت می درخشد.»[[18]](#footnote-19)

اقرع بن جابس می گوید: «دیدم پیغمبر اسلام صل الله علیه وآله فرزند خود ، را می بوسد . عرض کردم برای من ده فرزند است که هیچیک از آنها را نبوسیده ام . پیغمبر فرمود : کسیکه ترحم نکند، به او ترحم نخواهد شد.»[[19]](#footnote-20)

یکی از مطالب که تجارب علمی ثابت کرده است آن است که کودک شیر خوار ، تنها به وسیله شیر مادر ،رشد و نمو نمی نمایند، بلکه توجه و عاطفه ای که مادر به کودک شیر خوار نشان می دهد در رشد او مؤثر است و این غذای عاطفی اهمیت آن از غذای بدن در رشد کودک ،کمتر نیست.

**وفای به عهد کودک**

**اهمیت وفای به عهد از نظر اسلام**

خداوند متعال در مقام بیان اهمیت وفای به عهد دربارة اسمعیل نبی می فرمایند:

«واَذکَروُا فَی الکتابِ اسمعیلَ اِنّهُ کانَ صادِقِ الوَعدِ و کانَ رسولاً نبیاً»[[20]](#footnote-21)

ذکر کن در کتاب اسمعیل را زیرا او به وعدة حق ، صادقانه وفا می کرد و فرستاده پیامبر بود.

بشر با فضیلت و گونة تعهدی که به عهده گرفته است بدان وفا می نماید. قرآن کریم مسلمانان را امر می کند به هر گونه تعهدی اعم از اقتصادی و اجتماعی و امثال آنها وفا کنند:

«یا ایها الذین آمنوا اَوُنوا بالعقود»[[21]](#footnote-22). (ای مومنان ، به عهد و پیمان خود وفا کنید.) و ایمان شخص را وابسته به وفای به عهد میداند، و در وصف افراد با ایمان می گوید:

«قَد اَفلَحَ الموُمنون». (مومنان قطعاً رستگارانند) تا آنجا که می گوید:

«اَلذینَ هِم لاماناتهِم و عَهدِهِم راعُون»[[22]](#footnote-23) و آنان که به امانات و پیمان خود وفادار و نگاهبانند.

مورخین می نویسند:وقتی هرمزان را اسیر کردند، و نزد عمر آوردند؛و او را به اسلام دعوت کردند؛ وی امتناع نمود. عمر دستور قتل او را صادر کرد. وقتی خواستند دستور را اجرا کنند به عمر گفت :تشنه ام ،بهتر است در حال تشنگی ،حکم قتل مرا جاری نکنی . عمر دستور داد اب برای او آوردند. و ظرف آب را در دست هرمزان بود. هرمزان خطاب به عمر گفت : تا وقتی آب را ننوشم آیا از مرگ ایمنم؟ عمر گفت : آری . هرمزان ظرف آب را بر زمین انداخت و به عمر گفت : وفای به عهد ، یکی از فضایل درخشان انسانی است. عمر گفت تا وقتیکه دربارة تو مطالعه کنم مطابق قانون وفای به عهد ، از کشته شدن ایمنی . هرمزان وقتی حس کرد از قتل مصونیت یافته ، بدون تأمل ایمان آورد و گفت:اَشهد اَن لا اِلا اَلّا اللّه....

عمر گفت: چرا در اسلام آوردن خود اینگونه تأخیر را سزا دانستی؟گفت: میترسیدم به من بگویند:اسلام آوردنم از روی ترس بوده است . عمر گفت حقاَ برای ایران ، افراد پر طاقت و شکیبایی وجود دارد، که بدانها شایسته چنان حکومت و امپراطوری و عظمت شده اند. بعدها عمر در فرستادن لشکر به ایران مشورت می کرد و به رأی او عمل می نمود. بهر حال اسلام برای جلب اعتماد افراد به یکدیگر ، همة مردم را موظف به وفای به عهد می داند.

**جلب اعتماد کودک از راه وفای به عهد**

پدران و مادران !چشمهای کوچک و درخشانی که هر شب و روز حرکات شما را می نگرد، و گوشهای کوچک و شنوا که مواظب گفتار شما می باشد. و هر چه که از شما می بیند و درک می کنند به خاطر می سپارند،این کودکان شما هستند.

این موجود کوچک ومعصوم در آرزوی روزی است که بزرگ شود،و کارهائیکه شما امروز میکنید،او نیز بکند . شما را از داناترین اشخاص می داند. از شما بزرگتر و عاقل تر و قوی ترف کسی را نمی شناسد. و در مغز کوچک و لطیف او نسبت به شما هیچگونه بد بینی نیست و با کمال سادگی به شما اعتماد دارد و آنچه را بکنید و بگویید معتبر و قطعی می شمارد.

پس بر شماست که دقیقا مواظب خود باشید و بکوشید افکار و کردار و گفتار خوب شما به وسیلة آنها تکرار شود. والدین باید با اطمینان خود با کمال صداقت و راستی رفتار نمایند. باید در ذهن کودک این نکته را رسوخ دهند که وعده و وعید آنها از روی حقیقت است.و حتما دربارظ آنها مجری خواهد شد.این اطمینان و اعتماد ما هم برای کودک و هم برای مربی موجب آسایش فکری و درونی کودک است و در زندگی آتیة کودک فوائد فراوانی دارد. زیرا وقتی کودک، اطمینان حاصل کرد که قول مربی و یا پدر و مادر او حتمی الاجرا است در مورد لازم، دست از عناد و لجاج بر می دارد. پیغمبر اسلام صل الله علیه و آله فرموده اند:

«اَحِبُّوا الصَبیانِ و آرحَموهُم و اِذا وَعَد تُمُوهُم شَیئآ فَفُوا لَهم....»[[23]](#footnote-24)

(کودکان خود را دوست بدارید، و نسبت به آنها مهربان باشید و به وعده ای که به آنها داده اید وفا نمایید...) تردیدی نیست که جلب اعتماد کودک در صورتی ممکن است که مربی به وعده و وعید خود عمل کند . مربیانی که با کودک درست رفتار نمودند وبه وعده ها-در مورد آنها –وفا کردند هم احترام خود را در نظر آنها حفظ کردند،و هم او را باحسن نیت نسبت به دیگران تربیت نموده اند.

**گفتگو به زبان کودکی**

با کودک ،محاجّه و استدلال نکنید:

چنانکه قبلاً ملاحظه فرمودید: پیامبر اسلام صل الله علیه و اله دستو داد که باید در معیت کودک ، با عوالم کودکانه او هماهنگی کرد و با زبان کودکانه با او شخن گفت . و بقول شاعر:

 چونکه با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد.

با کودک باید رفق و مدارا نمود و مخصوصاً در دوران خردسالی باید دقت نمود که به قدر فهم او با او مکالمه شود. «رسو» میگوید:کاری کنید تا زمانیکه طفل فقط محسوسات را درک می کند ، افکار او را در حدود محسوسات ، متوقف گردد. کاری کنید که در اطراف خود –غیر از محیط مادی- چیزی نبیند. والا مطمئن باشید هیچوقت به حرفهای شما گوش نخواهد داد و یا اگر گوش بدهد ، راجع به محیط اخلاقی – که با او صحبت می کنید – عقائد عجیب پیدا خواهد کرد که در تمام دورة زندگانی او از بین نخواهد رفت. .»[[24]](#footnote-25)

لذا چنانکه دیدیم پیامبر اسلام صل الله علیه و اله می گوید: «باید مربی در گفتار و رفتار خود ، با کودک مقام خویش را به کودکی تنزل دهد»[[25]](#footnote-26)

و نیز فرموده اند:«اِنّا مُعاشِر الانبیا اَمَرنا اِن تلکُم الناسَ علی قَدرِ عَقُولَهُم.»[[26]](#footnote-27)

ما گروه انبیا ء موظفیم با مردم به قدر توانایی آنها و فهم آنها گفتگو نماییم.

مربی باید عملاً و قولاً با عوالم کودکانة کودک هماهنگی نماید. یعنی فی المثل اگر کودک مشغول بازی است به او رفتار کودکانه نشان دهد. رسول اکرم صل الله علیه و آله روزی با اصحاب خود به راهی می رفت . در میان راه با نوةخود –امام حسین علیه السلام –در حالیکه کودکی بیش نبود ، برخورد کرد. امام حسین علیه السلام با دخترکی در حال بازی بود . پیغمبر ازاصحاب خود جدا شد و به طرف امام حسین علیه السلام آمد. و امام حسین به این سو و آن سو فرار می کرد و پیغمبر با رفتار کودکانه خود ، امام حسین را فراخواند. سپس او را نگهداشت . یکی از دستها را زیر چانه و دست دیگر را روی فرق سر امام حسین گذاشت و او را بوسید و می فرمود:

«اَنا من حسین و حسَین منی اَحَب اللهَ من احَبّهِ»[[27]](#footnote-28)

و در روایت دیگر آمده که پیغمبر اسلام فرمود:«ما گروه انبیاءو پیغمبران دستور داریمکه مردم را طبقه بندی نموده و هر کس را به جای خویش بنشانیم، و با آنها به نسبت توانایی فهم آنها ،گفتگو کنیم.»[[28]](#footnote-29)

بنابر این باید به مقدار فهم کودک با او سخن گفت ، و چیزی که در عهدة توانایی قوای عقلانی او نیست اگر به او القاء کنیم در وی ایجاد نفرت و انزجار نموده ایم.

**تحمیل بیجا به کودک و آثار سوءآن**

«طبیعت اقتضا می کند که اطفال ، قبل از مرد شدن ،کودک باشند. اگر بخواهیم این نظم طبیعی را به هم بزنیم، میوه های پیش رسی بدست خواهیم داد، بی طعم ، که بزودی فاسد خواهد شد. یعنی یک عده کودک دانشمند ،یا دبیران خردسال خواهیم داشت طرز فکر کردن و حس نمودن اطفال ، مخصوص خود آنها است . و هیچ چیز احمقانه تر از این نیست که بخواهیم طرز فکر خود را جانشین طرز فکر آنها نمائیم.

 لذا پیغمبراسلام صل الله علیه و آله به پدران توصیه می نماید: که به فرزندان خود،تحمیل بیجا نکنیدو چنین فرموده اند:«رَحِمَ اللهُ مَن اَعانَ وَلَدِهُ علی بیرِهِ، قالَ، قُلتَ:کَیفَ یعینَهُ علی بِرِهِ؟ قالَ:یَقبِلُ

مَیسورَه،و یتجاوز عن مَعسورهِ ، و لا یَرهِقِهِ،و لا یَخرِقُ بِهِ.»**[[29]](#footnote-30)**

«خدای بیامرزد کسی را که در نیکوکاری فرزندش ،وی را مدد کند. راوی می پرسد چگونه او را به نیکی کمک کند؟فرمود: آنچه کودک، مطابق توانایی خود انجام داد،از او بپذیرید. و از آنچه در عهدةتوانایی او نیست صرف نظر کنند. و او را به سرکشی وادار ننمایید،و به او دروغ نگویید،و کارهای غیر عقلانه را انجام ندهد.»

**دانش آموختن به کودک**

پیغمبر اسلام صل الله علیه و آله با سواد نمودن کودک را یکی از حقوق کودک ، بر پدر می داند:

«مَن حَقَّ الوَلَدِ علی الوالِدِ ثَلثَهُ:یَحسِن اِسَمه ،و یَعلَمُهُ الکتابِهِ، و یزوَجَه اَذا بَلَغَ»[[30]](#footnote-31)

از جمله حقوق فرزند بر پدر ، سه چیز است: اسم زیبا برای او قرار دهد،و نوشتن را به او بیاموزید، و به هنگام بلوغ ،همسر برای او بگیرد.

در اعلامیه حقوق بشر ،تربیت را یکی از حقوق انسانی دانسته و تعلیم ابتدایی را برای او ضروری و اجباری شمرده است.[[31]](#footnote-32)

و چون سرنوشت آینده کودک در دست پدر است.پیغمبر اسلام با سواد نمودن کودک را در نخستین مرحله ،از وظایف اساسی پدر قلمداد کرده است. چون فرزند او باید بر زندگی غلبه نماید.و برای مبارزه در عرصه حیات، مسلح باشد. و هیچ سلاحی نیرومن تر از سلاح علم نیست. لذا تعلیمات ابتدائی که پیغمبر اسلام (بعنوان تعلیم خواندن و نوشتن معرفی کرده اند) تقریباً در قسمت عظیمی از جهان اجباری است و ملل را قید در این مسیر گامهای مؤثر ی برداشته اند. پس حق هر کودکی ،فرا گرفتن تعلیمات در حداقل آن (خواندن و نوشتن)میباشد.

**تبعیض بی جهت در نوازش به کودکان**

ما باید با مردم آنطور رفتار کنیم که انتظار داریم با ماچنان رفتار شود، همه جا و در همة موارد اصولا تبعیض نا معقول و فرق گذاشتن غیر منطقی در معاشرت ها و برخوردها شاید تلخ ترین و ناخوشایند ترین مسئله اجتماعی باشد. زیرا از نظر روانی کاری ترین ضربه را به روح و روان آدمی وارد می کند

وقتی انسان ببیند که پدر ، مادر ، برادر ، و یا معلم و مدیری و یا هر آشنا و غیر آشنایی بدون علت موجه و بر اساس پاره ای خیالات و یا معیارهای ناصحیح به یک فرد توجه بیشتری می نمایند اما به او بی اعتنایی می کنند این رفتار نسنجیده ، شدیدترین ضربه روحی و دردناکترین شلاق بر جان او می نوازد.

از آنجا که کودک از حساسیت ویژه ای برخوردار است و تأثیر رفتارها بر آنان مستقیم می باشد. شاید مرارت و ناگواری این رفتار نادرست در مورد ایشان شدیدتر و بیشتر باشد لذا می بینیم در دستورهای اجتماعی و آداب رفتاری اسلام به این امر به صورت یک اصل نظر شده است. لذا پیامبر اسلام صل الله علیه وآله وسلم هم در مورد تربیت و هم در مورد تعلیم ، مربیان و معلمان و والدین را به رعایت مساوات دربارة کودکان توصیه می نمایند:

«اَعدَلوا بَینَ اَولادِکم کَما تُحِبّونَ اِن یَعدِلو بَینَکُم فِی البِرّو اُللّطف».[[32]](#footnote-33)

میان فرزندان خود عداوت و مساوات را رعایت نمایید، چنانکه دوست می دارید میان شما در احسان و لطف و محبت رعایت مساوات شود.

و نیز روزی رسول اکرم صل الله علیه و آله وسلم مردی را دید که دارای دو پسر بود، آن مرد یکی از آن دو را بوسید(و مورد نوازش قرار داد) و دیگری را نبوسید، پیغمبر به آن مرد فرمودند:چرا رعایت مساوات و برابری میان آن دو ننمودی؟[[33]](#footnote-34)

**نظیف نگاه داشتن کودک**

به این نکته باید توجه داشت که در اسلام همانطور که به بهداشت تن کودک توجه شده به بهداشت روانی و موجبات عفت و پاکدامنی اش نیز عنایت شده است و کوچکترین عملی را به مخاطره اندازد ،مجاز شمرده نشده است.

 علی ابن ابیطالب علیه السلام شستشو کردن مادر ، تن دختر بزرگتر از شش سال را عملی ناروا دانسته است.[[34]](#footnote-35) و امام رضا علیه السلام هم فرموده اند:کودکان را تمیز و پاکیزه نگاه دارید و چرک و چربی را از بدن آنها بزدایید که شیطان بوی چرب و چرک را احساس کرده و به سراغ آنها می آید و اگر خواب باشند وحشت کرده و دچار ترس می شوند.[[35]](#footnote-36)

**شناساندن انبیا و اولیاء الهی به کودک**

 شناساندن رسول خدا و اهلبیت طاهرین او به فرزندان وظیفة پدران است،کودک از زمان کودکی باید رسول حق و امامان معصوم را بشناسد و به آنان علاقمند شود تا در کنار شناخت آنان و عشق به آن بزرگواران رشد کند، و در تمام شئون زندگی همرنگ و همراه آنان گردد،و جز آنان الگو و اسوه و سرمشق پیدا نکند که بهترین خیر برای انسان عشق به رسول خدا و امامان و اقتدای به آن اولیاء الهی است. همانگونه که پیامبر اسلام صل الله علیه و آله می فرمایند:

 «أدَّبوا اَولادَکَم علی ثلاثِ خِصالِ:حُبُ بینَکُم ،و حبُّ اَهلِ بیتِهِ و قَراءَهِ و قرائت قرآن.

ونیز امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمایند:«عَلَّمواَولادَکُم الصلاهَ و خُذُوهم بِها اِذا بَلَغوا الحُکم.»[[36]](#footnote-37)

به فرزندان خود نماز بیاموزید،و به هنگام رسیدنشان به تکلیف مسئلة نماز را جدی بگیرید.

**تأثیر روزی پاک و حلال در کودک**

از جمله حقوق کودک بر پدر و مادر آن است که آنها جز روزی پاک وحلال به او ندهند که در زمینه غذای پاک و حلال وظیفه سنگین است ، نسبت به این وظیفه به هر نحو ممکن باید دقت شود که در دنیا و آخرت مشکلی پیش نیاید. به این سخن عرشی و ملکوتی رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم در زمینة نان و آداب بردن به خانه دقت کنید:

«وَأن لا یَرزُقَهُ اِلّا طَیّباً.» (جز روزی پاک و حلال برای فرزندان به خانه نبرد.)

شیخ بهائی در کتاب فحلاه در رابطه با مال حلال از بزرگی به نام حسن، که ندانستم منظورش کدام حسن است نقل می کند،اگر گردة نان حلالی به دستم آید،آن را خشک می کنک، سپس می کوبم. و به صورت گرد نرمی در می آورم، آنگاه آن را در جائی حفظ می کنم ،تا اگر مریضی که مرضش صعب العلاج است به من مراجعه کند ، ذره ای از آن حلال رابه او بدهم ، تا از بیماری با خوردن آن مادّه حلال برخیزد!

**برای فرزندان خود نمونه اخلاقی باشیم**

بهترین درسها درسی است که کودکان به طور عملی از پدر و مادر ، مربیان و آموزگاران خویش می آموزند. اگر ما می خواهیم فرزندانمان راسگو، درست کردار باشد باید بکوشیم که خود عملاً چنین باشیم تا آنها در برخورد با ما ،رفتار و کردار ما را الگوی رفتار و عمل خویش قرار دهند و اگر ما می خواهیم کودکان ما ،لب به دروغ نگشایند باید خود چنین باشیم و اگر می خواهیم اولاد ما در جامعه افرادی متعهد و وفادار باشندو احساس مسئولیت کنند، بایستی خودمان از این خصلت ها والا برخوردار باشیم چون یک مثل عامیانه می گوید:اسب را اگرکناراسب بیند اگر همرنگ هم نشود همخوی می شود.

بنابر این باید گفت کودکان به طور چشم گیری پدر و مادر را الگوی خویش قرار می دهند و تحت تأثیر هر گونه رفتار و برخورد آنان قرار می گیرند.

در سه روایت بسیار مهم از رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم روایت شده ، همانطور که فرزندان بر اثر آزار کردن به پدر و مادر ،عاق پدر و مادر می شوند. پدران و مادران هم در صورت عدم رعایت حقوق فرزندان عاق فرزندان می گردند،و همانگونه که رعایت حقوق پدران و مادران بر فرزندان واجب است، رعایت حقوق فرزندان بر پدران و مادران لازم و واجب می باشد .

لذا در حدیثی از پیامبر اسلام صل الله علیه و آله و سلم داریم که می فرمایند:لعنت خدا بر آن پدر و مادر باد که موجب بشود اولادش عاق گردد.[[37]](#footnote-38)

معنای جمله این است که اگر پدر یا مادری تربیت صحیح روی اولاد نکند دین صحیح به اولاد ندهد،ادب صحیح به اولاد ندهد،معمولا این افراد پرخاشگر ،طغیانگر ، بی ادب می شوند،و در مقابل همه قد علم می کنند در مقابل پدر و مادر هم قد علم می کنند و پیامبر خدا این پدر و مادر را لعنت کرده است. «وَالسلامُ عَلینا و علی عِبادِ اللهِ الصالحین»

فهرست منابع و مأخذ

1. اسلام وتعلیم و تربیت، تألیف دکتر سید محمد باقر حجّتی؛ ناشر و نشر فرهنگ اسلامی ،چاپ پانزدهم،1370.
2. اینگونه معاشرت کنین،تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ناشر؛ انتشارات رسالت قم ،چاپ هما ،پائیز 1363.
3. نظام خانواده در اسلام،تألیف استاد حسین انصاریان،ناشر؛انتشارات امّ ابیها قم،چاپ نهضت پائیز 1376.
4. تربیت فرزنداز نظر اسلام ،تألیف استاد حسین مظاهری،ناشر؛ انتشارات امِ ابیها قم، چاپ قدس زمستان 1379

1. - تفضیل وسایل الشیعه ،ج 3، ص134،مجعه البیضاءِ، ج2، ص237. [↑](#footnote-ref-2)
2. -تفضیل وسایل الشیعه ج 4،ص135. محجه البیضاء،ج2،ص 241. [↑](#footnote-ref-3)
3. تفضیل وسائل الشیعه،ج 3، ص135. [↑](#footnote-ref-4)
4. -قال رسول الله صلی الله علیه و آله:«یلزم الوالدین من عقوق الولد مایلزم الولد لهما من العقوق.(محجه البیضاء، ج 2،ص114) [↑](#footnote-ref-5)
5. - بحار الانوار ،ج 14؛ص845 [↑](#footnote-ref-6)
6. -بهداشت غذایی ،ص 172،173. [↑](#footnote-ref-7)
7. **-محجه البیضاء ،ج2،ص65.** [↑](#footnote-ref-8)
8. -تفضیل وسائل الشیعه،ج3،ص315. [↑](#footnote-ref-9)
9. -محجه البیضاء،ج 2،ص65 [↑](#footnote-ref-10)
10. - بحار النوار، ج 6،ص24-محجه البیضاء، ج2،ص66. [↑](#footnote-ref-11)
11. - همان کتابها و صفحه ها [↑](#footnote-ref-12)
12. -محجه البیضاء ،ج 2 .ص 236. [↑](#footnote-ref-13)
13. -همان کتاب ، ص 237. [↑](#footnote-ref-14)
14. -تلخیص و اقتباس از روانشناسی دکتر جلالی، ص464و 465. [↑](#footnote-ref-15)
15. -جامع الاخبار ، ص124،طبع 1341ش [↑](#footnote-ref-16)
16. -تفضیل وسائل الشیعه، ج2، ص241. [↑](#footnote-ref-17)
17. -محجه البیضاء،ج2،ص64. [↑](#footnote-ref-18)
18. -محجه البیضاء ج2،ص 237، بحار الانوار،ج7 ،ص 304(چاپ جدید). [↑](#footnote-ref-19)
19. -محجه البیضاء،ج2،ص232،تفضیل وسائل الشیعه، ج3،ص315. [↑](#footnote-ref-20)
20. -سوره مریم ، آیه 55. [↑](#footnote-ref-21)
21. -سوره مائده، آیه 2 [↑](#footnote-ref-22)
22. -سوره مومنون، آیه 2. [↑](#footnote-ref-23)
23. -تضیل وسائل الشیعه ،ج3،ص134. [↑](#footnote-ref-24)
24. -امیل، ص66، 67. [↑](#footnote-ref-25)
25. -تفضیل وسائل الشیعه،ج3،ص315. [↑](#footnote-ref-26)
26. -سفینه البحار ،ج 2،ص 204. [↑](#footnote-ref-27)
27. -الحق الکامل ، ج2 ،ص183 [↑](#footnote-ref-28)
28. -همان کتاب [↑](#footnote-ref-29)
29. -تفضیل وسائل الشیعه، باب چهلم ، ص143. [↑](#footnote-ref-30)
30. -بحار النوار ،ج6،ص24 [↑](#footnote-ref-31)
31. -ماده 26. [↑](#footnote-ref-32)
32. - محجه الببیضاء،ج2،ص64. [↑](#footnote-ref-33)
33. -همان مرجع و صفحه. [↑](#footnote-ref-34)
34. -اصول کافی،ج2،ص348. [↑](#footnote-ref-35)
35. - امالی طوسی،ج1،ص314. [↑](#footnote-ref-36)
36. -میزان الحکمه،ج10،ص222. [↑](#footnote-ref-37)
37. -بحار النوار،ج77،ص58. [↑](#footnote-ref-38)